

روایتی از سیر تحول فضاهای عمومی در شهرها در گفت و گو با دکتر سیدامیر منصور

سردر دانشگاه تهران چگونه از حیات تهی شد



نجمه رجب

شهر سرزنده به فضاهایی برای تعامل میان شهروندان نیاز دارد و این یک نیاز مهم و غیرقابل اغماض است، اما این گزاره بدیهی در تهران و در نگاه کلان تر در مجموعه شهرهای ایران فقط گهگاه و موقتی به یک موضوع برجسته و دغدغه مدیران شهری تبدیل می شود. یکی از این اوقات زمان هایی است که یک رخداد با اعتراض جمعی در ابعاد وسیع روبه رو می شود. سال هاست در ایران نبود فضاهایی برای عرضه گوناگونی اندیشه ها مسئله بوده است و این موضوع حتی گاهی می تواند بحران ساز شود. آخرین بار در جریان حادثه دلخراش فوت مهسا امینی که توسط گشت ارشاد بازداشت شده بود، فقدان فضایی برای فریاد و بیان مطالبات جمعی مسئله ساز شد و در جریان اعتراض ها به دلیل نبود فضایی برای بروز یک اعتراض همگانی، ماجرا تا حدی پیش رفت که به ریختن خون ده ها نفر از مردم و نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف انجامید. این حرف ها جدید نیست و در پنج ماه اخیر نه فقط در میان شهروندان بلکه بین مسئولان هم نبود فضای جمعی در شهرها طرح موضوع شد؛ تا جایی که مجلس شورای اسلامی طرحی برای ساماندهی برگزاری تجمعات ارائه کرد و در آن به مسئله تأمین فضا در شهرها برای این موضوع نیز پرداخت. اما آنچه مسئولان و تصمیم سازان از اهمیت، ضرورت و کارکرد فضای همگانی در شهرها فهم کرده اند، با آنچه کارشناسان و صاحب نظران تشریح می کنند، تفاوت بنیادی دارد. گذشته از کندی روند بررسی، این طرح اگرچه در نوع خود یک گام رو به جلو و به نوعی اذعان مسئولان به فقر فضاهایی برای اجتماع مردم است، اما نشان از فهم ناقص از ماهیت و الزامات فضاهای جمعی دارد. فضاهای جمعی یا آنچه با عنوان «Social Space» در ادبیات شهرسازی شناخته می شود، چیزی فراتر از فضایی صرفاً برای برگزاری تجمع اعتراض آمیز است و می تواند و باید میزبان هر رویداد دیگری که در آن شکلی از فعل همگانی مبتنی بر ارتباط مؤثر شهروندان بروز پیدا می کند، باشد.

دکتر سیدامیر منصور، دانشیار دانشگاه تهران و دانش آموخته سوربن است و شناختی دقیق از موضوع این گفت و گو دارد. او با وسواسی ویژه نسبت به ترمینولوژی واژه هایی که در این گفت و گو ورد و بدل می شود، پای صحبت آمد تا از یک جای خالی بزرگ در کلان شهرهای ایران و در پیشانی آنها تهران سخن بگوید و کم و کیف چگونگی رفع این نقیصه را که به زعم او مهم ترین وظیفه اجتماعی مدیریت شهری است، تشریح کند. این استاد دانشگاه معتقد است حیات و ممت زندگی اجتماعی در شهرها در گرو توسعه کمی و کیفی فضاهای جمعی است، اما در غفلت مدیران شهری، حتی فضاهای همگانی شناسنامه دار تهران مثل فضای مقابل سردر دانشگاه تهران هم کارکرد خود را از دست داده است.

منصوری در همان ابتدای گفت و گو تأکید می کند که مسئله امروز شهرهای ما کارکرد فضاهای باز و عمومی شهری است و «قلمرو» نمی تواند توصیف کننده ویژگی های این قبیل فضاها باشد. او با بیان اینکه شهرها در وهله اول با پدیده «فضاهای باز» یا به اصطلاح «Open Space» مواجه بودند، گفت: فضاهای باز شهری به هر فضای بازی اعم از فاصله بین ساختمان ها، بیابان ها و عرصه های مختلفی که در مالکیت خصوصی شهروندان نبود اطلاق می شد. در واقع این شرایط فیزیکی فضاهایی باز بود که عنوان آنها را تعیین کرده بود. اما بعدتر اصطلاح اطلاق شده به این فضاها متناسب با موقعیت آنها ارتقا پیدا کرد و اصطلاح «فضای باز شهری» (Urban Open Space) جایگزین شد. در واقع در جریان تاریخ رشد شهرسازی به مرحله ای رسیدیم که واقع شدن فضاهای باز در شهرها در تعیین کارکرد آنها اهمیت پیدا کرد و به مسئله روز معماران و شهرسازها تبدیل شد.

منصوری ادامه داد: در ادامه این سیر و در مرحله بعدی تأکید صاحب نظران این بود که برخی از فضاهای شهری به لحاظ عملکردی جنبه عمومی ندارد و باید آنها را کنار گذاشت؛ مثل فضای بین ساختمان ها. به این ترتیب اصطلاح ارتقایافته دیگری با عنوان «Public Space» یا

همان «فضای عمومی» در ادبیات شهرسازی جا باز کرد، اما به اینجا هم بسنده نشد و نسل بعدی فضاهای باز شهری با عنوان «فضای همگانی و اجتماعی» (Social Space) معرفی شد؛ عنوانی که در زبان فارسی از آن با اطلاق «فضاهای جمعی» یاد می شود. این صاحب نظر معماری معتقد است اصطلاحاتی مثل فضای عمومی، صرفاً یک جنبه از فضاهای باز با تمرکز بر نوع مالکیت آن را مشخص می کند اما وقتی عنوان «همگانی» به یک فعل یا فضا اطلاق می شود، ارتباط بین اجزا با یکدیگر مد نظر است؛ کمالینکه به عنوان مثال در برابر نماز فرادا، نماز جماعت تعریف می شود که اشاره به وحدت بین نمازگزاران دارد، نه صرفاً برگزاری آن در یک فضای عمومی. او با بیان اینکه مقصود از فضای همگانی دقیقاً فضایی با کارکرد ایجاد ارتباط بین اجزا و به عبارت دقیق تر بین افراد جامعه است، افزود: درست است که این فضا در شهر واقع شده و خصوصی نیست، اما اصطلاح فضای باز شهری یا فضای عمومی نمی تواند توصیف کننده ویژگی برجسته آن باشد. با این تعریف، پارک و تفرجگاه یک فضای همگانی محسوب نمی شود، چراکه شهروندان نه برای وحدت با یکدیگر بلکه صرفاً برای گذران اوقات فراغت خود یا ورزش یا هر فعل دیگری به خودشان مربوط است به این مکان می آیند. اما میدانهایی که مردم به طور مثال در آن پیکر عزیزان شهر یا محله خود را تشییع می کنند، یا هر رخداد سیاسی و اجتماعی موجب تجمع آنها در این فضا می شود، یک «Social Space» است. در چنین فضایی شهروندان تک به تک در حال انجام یک فعل جمعی هستند.

رسالت اجتماعی مدیریت شهری

منصوری با طرح این مقدمه کامل درباره ماهیت فضای همگانی در شهرها، به این موضوع پرداخت که «فضا» در معماری به محدوده ای اطلاق می شود که اصطلاحاً واجد «لبه» مشخص بوده و از اطراف به حدود مشخصی می رسد؛ بنابراین اصطلاحاتی مثل قلمرو نمی تواند گزینه خوبی برای توصیف آن باشد. او سپس از سبزه میدان تهران، نقش جهان اصفهان و میدان گلستان شهرک غرب به عنوان نمونه هایی از فضای همگانی یاد کرد و در ادامه با انتقاد از طراحی فضاهایی مثل میدانهای هفت تیر که تحت عنوان «پلازا» طی سال های اخیر در تهران اجرا شده، تأکید کرد که فضای شهری ایجادکردن آسان است،



سیدامیر منصور: اگر از من بخواهند که در کل کشور، یک فضای شاخص و ممتاز جمعی را مثال بزنم، بی تردید از عرصه مقابل دانشگاه تهران اسم خواهم برد؛ کمالینکه فضای مقابل سردر دانشگاه تهران یک محوطه کوچک است که رخدادهای بزرگی را در طول چند دهه اخیر به خود دیده است. خیابانی که دانشگاه تهران در آن واقع شده نیز به نام «انقلاب» نام گذاری شده که بزرگ ترین رخداد سیاسی تاریخ معاصر کشور محسوب می شود. حتی امام خمینی (ره) هنگامی که در روزهای نخست انقلاب به کشور بازگشت، دو جا را برای سخنرانی انتخاب کرد که یکی بهشت زهرا و در مجاورت آرامگاه شهیدان بود و دیگری مقابل دانشگاه تهران بود. حتی در ماجرای دختر خیابان انقلاب، یک شهروند برای اینکه صدای اعتراض خود را به گوش قدرت برساند، این خیابان و مقابل دانشگاه را انتخاب کرد. همین موضوع نشان دهنده کارکرد تثبیت شده مقابل دانشگاه تهران در حوزه تعامل و تحرکات جمعی است.

اما فضای جمعی ساختن دشوار. وی توضیح داد: سامان دادن کالبد فیزیکی در نقطه مشخصی از شهر و تعریف دستوری برخی کاربری ها در آن، نمی تواند به منزله عملکرد موفق در ایجاد فضای همگانی باشد؛ کمالینکه تجربه ناموفق سال های اخیر در ایجاد پلازهای شهری صحت این گزاره را اثبات می کند. همین حالا اگر جریان اعتراضی خاصی در شهر شکل بگیرد، یا کسانی که تفکر رسمی چه در حوزه سیاسی چه در ساحت فرهنگی را نمی پسندند، بخواهند نظر متفاوت خود را ابراز کنند، در میدان هفتم تیر جمع نمی شوند اما در میدان صنعت با وجود اینکه فضای کالبدی مناسبی ندارد و یک میدان ترافیکی است، گرد هم می آیند. بنابراین مدیریت شهری باید به این موضوع پی برده باشد که فقط سامان دادن در و دیوار و به اصطلاح ایجاد کالبد برای توسعه فضاهای همگانی کافی نیست و این همبستگی مردم در انتخاب یک فضا است که کارکرد اجتماعی آن را تعیین می کند؛ هرچند در ادامه مدیریت شهری باید نسبت به طراحی کالبدی درست آن فضا متناسب با کارکرد آن اقدام کند. منصوری معتقد است برنامه ریزی در حوزه طراحی و مدیریت فضاهای جمعی در شهرها مهم ترین رسالت اجتماعی مدیریت شهری است که سال هاست نسبت به آن غفلت شده است. او معتقد است مدیران شهری پایتخت نه فقط در این دوره بلکه در دوره های مختلف رسالت اجتماعی بسیار محدودتری برای خود قائل بوده اند و بودجه هایی که می توانسته صرف سامان دادن فضاهای جمعی شود را صرفاً به نصب بنر و زیباسازی ظاهر شهر اختصاص داده اند، یا صرف کمک به تشکل های مردمی یا هیئت های مذهبی کرده اند؛ کارهایی که به زعم او در جای خود لازم است اما جای وظیفه اصلی مدیریت شهری یعنی تولید فضاهایی که زمینه ساز ایجاد و تقویت همبستگی میان شهروندان شود را نمی گیرد.

این معمار و صاحب نظر ارشد شهری تأکید کرد: زندگی اجتماعی انسان در فضای جمعی سر و شکلی که باید را پیدا می کند و سیر تکاملی آن طی می شود. بنابراین اگر فضاهای جمعی متلاشی شود یا متناسب نیاز و وسعت شهرها توسعه پیدا نکند، درحقیقت این زندگی اجتماعی انسان هاست که متلاشی می شود.

تراز فضای جمعی در ایران

نمونه شاخص فضای همگانی و جمعی در شهر تهران که منصوری در ادامه این گفت و گو به تشریح ویژگی ها و کارکرد آن پرداخت، فضای مقابل در اصلی دانشگاه تهران است؛ فضایی که به اعتقاد او نه فقط در پایتخت بلکه در کل کشور شاخص است.

او در این مورد گفت: اگر از من بخواهند که در کل کشور، یک فضای شاخص و ممتاز جمعی را مثال بزنم، بی تردید از عرصه مقابل دانشگاه تهران اسم خواهم برد؛ کمالینکه فضای مقابل سردر دانشگاه تهران یک محوطه کوچک است که رخدادهای بزرگی را در طول چند دهه اخیر به خود دیده است. خیابانی که دانشگاه تهران در آن واقع شده نیز به نام «انقلاب» نام گذاری شده که بزرگ ترین رخداد سیاسی تاریخ معاصر کشور محسوب می شود. حتی امام خمینی (ره) هنگامی که در روزهای نخست انقلاب به کشور بازگشت، دو جا را برای سخنرانی انتخاب کرد که یکی بهشت زهرا و در مجاورت آرامگاه شهیدان بود تا ارزش و اهمیت جایگاه شهدا را گوشزد کند و دیگری مقابل دانشگاه تهران بود. در واقع فضای شهری منتخب امام برای سخنرانی هنگام بازگشت به کشور، همان جایی بود که نماد همبستگی ملت محسوب می شد و از این جهت برای امام نیز واجد اهمیت بود؛ البته به دلیل کثرت جمعیت، این سخنرانی میسر نشد اما انتخاب امام نشان می دهد ارزش این فضای اجتماعی نزد او تا چه اندازه بوده است.

جدای از اینکه دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر و نماد آموزش عالی کشور شناخته می شود و از این منظر نیز واجد ارزش ویژه است، منصوری به برگزاری تشییع پیکر شخصیت های شاخص انقلاب اسلامی مثل مرحوم هاشمی رفسنجانی در مقابل دانشگاه تهران اشاره کرد و ادامه داد: حتی با وجود اینکه «مصلی» با آن ابعاد وسیع ساخته شده تا میزبان نماز جمعه باشد، سال ها این گزینه جایگزین با اقبال مردم روبه رو نشد و همچنان نمازهای جمعه در دانشگاه تهران برگزار می شد. حتی در ماجرای دختر خیابان انقلاب، یک شهروند برای اینکه صدای اعتراض